

کروبی در گردهمایی روسای استان‌های حزب اعتماد ملی مطرح کرد:

در انتخابات همه تلاشمان برای پیروزی بود



حقوق قانون جامع وکالت، بیمه‌ها و امیدها نوشتاری از بهمن کشاورز ۱۵



حوزه سرمایه‌های که دیگران ندارند یادداشتی از سیدرضا اکرمی ۱۴



با حکم دادگاه تجدید نظر

تخلف محرایبان در ثبت اختراع اثبات شد



اندیشه روشنفکر، زن و مرد نمی‌شناسد گفت‌وگو با فاطمه صادقی ۱۳



صفحه آخر قانون و قدرت یادداشتی از ابراهیم یزدی ۲۴

نقد روز

مشروعیت حکومت از کجاست؟

محسن آرمین

جناب آقای شیخ محمد یزدی سلام‌علیکم صاحب‌شما علیه‌الطهارات آیت‌الله‌شاهی رفسنجانی در نماز جمعه گذشته تهران در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشت. نفس اینکه فقیهی با فقیه دیگر درباره مسائل سیاسی و اجتماعی و فقهی و کلامی اختلاف نظر داشته باشد و این اختلاف به داری خرد جمعی در عرصه عمومی گذاشته شود بسیار مبارک و مغتنم است.

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه روز

نهاد مدنی - اجتماعی قوی نیاز زمانه ما

تقی رحمانی

بعد از طرح تقدیم نهاد مدنی بر حزب در ماه‌های گذشته و سپس طرح نیاز به نهاد مدنی به جای حزب و جبهه از سوی میرحسین موسوی، پرستش‌های گوناگونی از نگارنده شده، به خصوص بعد از طرح مقاله نیاز نهاد مدنی به جای حزب و جبهه، روزهای پرشش‌ها متفاوت شده است. مهمترین این پرشش‌ها از این قبیل است:

- ۱- با تجربه‌های دیر و ذی‌بای سیاست، به جبهه و حزب‌سازی تأکید می‌کنند.
- ۲- ملی - مذهبی‌هایی چون سحلی و یزدی بر این باورند
- ۳- بدون جبهه فراگیر چگونه می‌توان موح ایجاد کرد
- ۴- باید سیاست را با سیاست پاسخ گفت، در نتیجه جبهه فراهم آورنده شرایط حرکت و تحرک و کنش است و مردم و رهبری نیازمند هستند که جبهه این رهبری را فراهم می‌کند.
- ۵- برخی سول‌ها جنبه‌فردی پیدا می‌کنند مانند این پرشش‌ها که چون تو تجربه منفی از احزاب و تشکیل جبهه‌داری شکل‌گیری آن نامید هستی در حالی که عدم شکل‌گیری، از درستی و نیاز به آن نمی‌کاهد باید این اقدام بشکلی بگرد.
- ۶- تشکیل جبهه ضرورت است. علاوه راه رسیدن به آزادی سیاسی از این مسیر می‌گذرد.

از این قبیل پرشش‌ها فراوان‌تر وجود دارد. اما تلاش می‌کنم با استناد و تجربیات خود به پرشش‌های مزبور پاسخ دهم که در این پاسخ‌ها نوعی در میان گذاشتن تجربه نظری و عملی کسی است که بیش از ۳۵ سال است فعالیت فکری - سیاسی می‌کند و در این مدت با بسیاری از رهبران احزاب و سیاستمداران و بیرون از آن هم‌بختن با هم‌راه بوده است. همچنین به عنوان یک فعال سیاسی همیشه کار جمعی انجام داده است. به عبارتی این نظر از تجربه عملی نگارنده برمی‌آید که مدتی است بر تقدیم نهاد مدنی بر حزب تأکید دارم. این دغدغه از سال ۱۳۸۰ در نگارنده رشد کرده و از سال ۱۳۸۴ این سوی مسأله و دغدغه اصلی نگارنده بوده است.

فعالیت انتخاباتی ۱۳۸۸ نیز براساس مطالبه مجوری و تقویت جامعه مدنی بود که در حمایت از آقای کروبی خود را نشان داد. تقدیم نهاد مدنی بر حزب سیاسی سیاست‌تورزی درست و صحیح است، چون تا هزینه فعالیت سیاسی در جامعه ما پایین نیاید و همچنین سیاست به مثابه زندگی در جامعه ما مطرح نشود، امکان کشایش فضای باز سیاسی در جامعه ما وجود نخواهد داشت. سیاست‌تورزی بر هزینه به معنی داشتن عداوت قهرمان، اکثریت منفعل یا مطیع و اندکی حاکم است. اما الهام اولویت نهاد مدنی بر حزب و جبهه را از رفتار و تجربه مهندس بازرگان گرفتیم. بازرگان تجربه اجتماعی داشت، توان اکثریت جامعه را می‌شناخت. با وجود تأسیس جمعیت نهضت آزادی تلاش می‌کرد که جمعیت دفاع از حقوق بشر و قانون اساسی را تأسیس یا حمایت کند. این اقدام مهندس بازرگان بسیار مهم بود. در شرایطی که فعالان سیاسی جوان و رادیکال بدون تجربه اجتماعی در بی تأسیس تشکلات عقیدتی بسیار منضبط و مرتب بودند. وی تلاش می‌کرد که نیروهای فعال را گرد هدف مشترک متحد کند و با برنامه مجوری، اختلافات شخصی را بر سر رهبری طلایی کاهش دهد. با این وصف تلاش‌های بازرگان به دلایل مختلف موفق نشد که برخی از این دلایل را می‌شکافم. مشکلات مزبور به خاطر کشمکش رهبری طلایی با نگرفت توافق جمعی در کار جبهه‌ای چندان آسان نبود. هزینه کار سیاسی را حاکمان بالا می‌بردند. اقدام جبهه بسیار کند و تا تأخیر آغاز می‌شد. امکان ارتباط با مردم در کار جبهه‌ای به دلایل فقدان نهادهای مدنی فراهم نیست. در این حالت طبیعی است جبهه دچار بحران مخاطب می‌شود. به خصوص اگر کار و فعالیت جبهه میان مدت باشد بحران مخاطب جدی‌تر می‌شود. مخالفان جبهه به دلایل مختلف هزینه فعالیت جبهه را بالا می‌برند تا مخاطبان با لحاظ هزینه هزینه فایده، به جبهه سیاسی نزدیک نشوند. مهندس بازرگانی با وجود همگرایی در جمعیت‌های دفاع از دموکراسی، از جذب روحانیون و چهره‌های مدنی و نیروهای قدرتمند در قدرت موفق نبود. در نتیجه جمعیت‌ها در میدان محدود فعالان سیاسی باقی ماندند. حال اگر این سه عامل را کنار هم بگذاریم مشخص می‌شود که تجربه جمعیت‌ها احزاب و جبهه‌های سیاسی در ایران موفق نبوده است.

ادامه در صفحه ۲۴

نامه موسوی، کروبی و خاتمی به مراجع عظام تقلید

سکوت نکند

گروه سیاسی: میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محمد خاتمی روز گذشته با انتشار نامه‌ای خطاب به مراجع از آنها استمداد طلبیدند که در مقابل فشارهایی که اخیراً بر نیروهای اصلاح‌طلب و نیز کسانی که پایه‌های این انقلاب را بنیان نهاده‌اند، وارد می‌شود عکس‌العمل نشان دهند و ضمن حمایت از آنها، از جایگاه ویژه مهم و خاص خود جهت آزادی زندانیان اخیر که بی‌هیچ توجیه و منطقی در بازداشت به سر می‌برند، استفاده کنند.

این نامه جدا از آنکه به امضای این سه نفر رسیده، برخی از نیروهای اصلاح‌طلب که در انتخابات اخیر از میرحسین موسوی و مهدی کروبی حمایت کردند، آن را امضا کرده و در آن تأکید کرده‌اند که «تنها راه برورفت از این وضعیت، اقدام قاطع و شفاف نسبت به توقف فرآیند امنیتی ساختن فضای پس از انتخابات و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان و بازگرداندن روند رسیدگی به اتهامات به مراجع عظام تقلید به‌عنوان مرجع و ملجأ ملت شریف ایران می‌خواهیم که پیامدهای زاینبار اتخاذ‌شده‌های قانون‌گریزانه را به دست‌نگاهای ذی‌ربط خاطر نشان ساخته و آنان را نسبت به اشاعه بیدادگری در نظام جمهوری اسلامی بر حذر دارید. این همه، در پرتو کلام امام عدالت که «فلیست تصلح الریع الا بصلاح الولاة، و لا تصلح الولاة الا باستقامه الریع» عرض شد و خواندند سبحان را شاهد و گواه می‌گیریم که جز اصلاح امور این کشور و ملت به چیز دیگری نمی‌اندیشیم»

مراجع از تأثیر گذاری خود بر رده‌های مختلف حکومت استفاده کنند

جمشید انصاری، نماینده اصلاح‌طلب زنجان در مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به بخشی از این بیانیه تصریح کرد: «مراجع تقلید به عنوان مرجع و پناهگاه مردم شناخته شده هستند و راهکارها و پیشنهادهاشان و توصیه‌های آنها برکت مسولان در بسیاری موارد راهگشا بوده است.» وی با اشاره به پیگیری‌های قانونی صورت گرفته از سوی گروه‌های اجتماعی و سیاسی، کاندیداهای انتخابات، شخصیت‌های اصلاح‌طلب فعالان سیاسی و خانواده‌های بازداشت‌شدگان و همچنین تماس آنها با مراجع قانونی و رسمی مانند قوه قضائیه و وزارت اطلاعات گفت: «تمام این تلاش‌ها تاکنون بی‌نتیجه بوده است بنابراین به فکر راهکار دیگری بودند.» انصاری ادامه داد: «موسوی و کروبی و خاتمی و بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب به این نتیجه رسیدند که در نامه‌ای به مراجع به بیان دغدغه‌های خود بپردازند و خواستار آزادی بازداشت‌شدگان شوند بنابراین امیدواریم مراجع از تأثیر گذاری خود بر رده‌های مختلف حکومت استفاده کنند و قلمی برای افراد بازداشت‌شده بردارند که در شرایط خوبی زندگی کنند.»

اسفنجبار تبرک دو خواهد کرد. این امر می‌تواند به عنوان یک نقطه عطف در فرایند اصلاحات محسوب شود. این اقدام نشان‌دهنده تغییر در نگرش مراجع است. در حالی که پیش از این مراجع عظام تقلید در قبال اعتراضات مردمی نسبت به تخلفات گوناگون و گسترده‌ای که در قیل، حین و بعد از انتخابات صورت گرفت، افزایش یافته و هنوز هم ادامه دارد. بازداشت‌های انفرادی و گروهی، از اقرار مختلف اجتماعی از جمله اساتید دانشگاه‌ها، فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران، که بدون صدور مجوزهای قانونی صورت گرفته و همراه با برخورداری خوشنویس و استفاده از شیوه‌های بازجویی که یادآور دوران سیاه‌ستشاهی است و بسیاری از امضاکنندگان این نامه در آن زمان خود بارها قربانی آن بوده‌اند، به هیچ روی زینده نظام و کشوری که داعیه برپایی قسط و عدل دارد نبوده و نخواهد بود و چهره جمهوری اسلامی را در روح و جان هر ایرانی و نیز نظار جهانیان تیره و تار خواهد کرد.

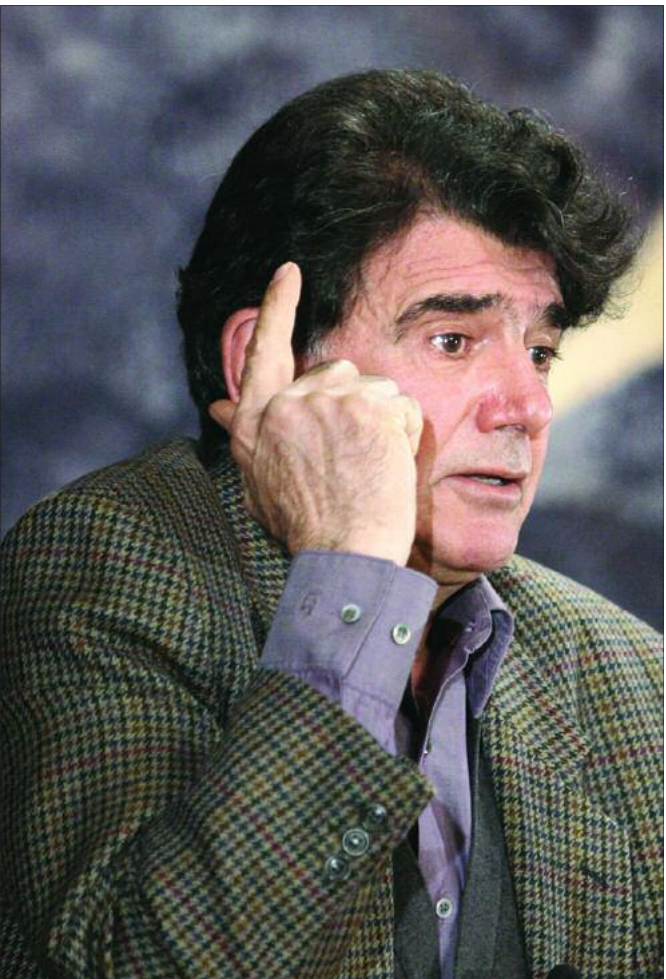
برخی از نیروهای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا از جمله مرتضی الوربی، سید کاظم اکرمی، رحیم ابوالحسنی، هاشم آقاچری، محسن آرمین، محسن رهامی، سیدمحمد رضا و سیدعلیرضا حسینی بهشتی، محمد رضا تاجیک و عباس عبدی از امضا کنندگان این نامه هستند

داخلی را باید از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی حل کنند»

حکومت نمی‌تواند نسبت به نظر مراجع بی‌تفاوت باشد

حجت‌الاسلام محسن رهامی نیز درباره این بیانیه که هر روز به تعداد حامیان آن افزوده می‌شود، گفت: «مراجع تقلید همواره مرجع مردم متدین و مذهبی هستند و این مراجع و بزرگان همواره راهگشای مشکلات سیاسی و اجتماعی بوده‌اند. این در مشکلات سیاسی و اجتماعی راهگشا و راهنمایان عالم و تأثیرگذار هستند بنابراین امکان حل مشکلات سیاسی با تمسنا از روحانیت و مراجع وجود دارد.» رهامی درباره اهداف امضاکنندگان و حامیان این بیانیه توضیح داد: این افراد به سمت مراجع رفتند تا بگویند که به سمت کشورها، خارجی و احزاب آنها و با بیانگشایان نخواهند رفت و نوشتن این بیانیه بسیار نیکوست زیرا عدم وابستگی که پس از خروج از کشور را نشان می‌دهد. رهامی سپس به انتقاداتی که پس از انتخابات در کشور رخ داده است، اشاره کرد و توضیح داد: «این اتفاقات کوچک نبود و میلیون‌ها نفر به صورت مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها آمدند و خواستار تعیین نتیجه انتخابات شدند. این افراد نه از جانب حزب یا گروه و نه از جانب بیگانگان به خیابان‌ها آمده بودند و نه حامی سیاست‌های بی‌بازده و پوخته و دامنه‌های خطرناک هستند که در ۱۵ خرداد ۴۲ مردم به امر مراجع به خیابان‌ها رفتند و اعتراض کردند. اکنون نیز که برای عداوت از تخنگان و مردم معترض مشکلاتی پدید آمده است به سمت مراجع رفته و از آنها کمک خواستیم.»

ادامه در صفحه ۲



جزئیات شکایت محمد رضا شجریان از صدا و سیما و کیهان

محمدحسین آقاسی و کیل شجریان: کیهان عنذر خواهی کند صرف‌نظر می‌کنیم

گروه هنر: این روزها، ترکش تنش‌های سیاسی به دست‌اندر کاران حوزه فرهنگ هم برخورد می‌کند و طبیعتاً به سوی چهره‌های مطرح‌تر، ترکش‌های آسانی‌تری پرتاب خواهد شد. ماجرای مطلب تند روزنامه کیهان علیه محمد رضا شجریان را نیز می‌توان در این باب ارزیابی کرد. مطلبی که شکایت شجریان علیه کیهان را بدنبال داشت. محمدحسین آقاسی وکیل استاد آواز ایران درباره علت انجام این شکایت به اعتمادملی می‌گوید: مدت‌ها بود که استاد شجریان به صداوسیما تذکر می‌دادند که آثار ایشان را بدون اجازه از شبکه‌های مختلف پخش نکنند، کتابا هم نامه نوشتند اما صداوسیما به این خواهش ایشان ترتیب اثر نداد. در نتیجه استاد شجریان در گفت‌وگو با یکی از شبکه‌های ملی اعلام کرد که شکایت ما علیه معاونت این صحبت‌ها منجر به انتشار مقاله‌ای علیه ایشان در شماره روز ۱۴ تیرماه سال جاری در بخش خبرهای ویژه روزنامه کیهان شد. من شخصاً نمی‌توانم ترک کنم چطور یک هنرمند محبوب و ملی که اصلاً هم چهره‌ای سیاسی نیست و فقط علاقمند نیست که آثارش از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش شود، «وطن‌فروش» نامیده شود. این مسأله خجالت‌آور است و استاد هم از این مسأله بسیار رنجیده‌خاطر و ناراحت‌قد به همین دلیل هم تصمیم گرفتند از روزنامه کیهان شکایت کنند. روز چهارشنبه این شکایت طرح شد، قطعاً دادگاه به این شکایت رسیدگی خواهد کرد.» ماجرای شکایت شجریان از کیهان چند روز پس از اعلام طرح شکایت او از صداوسیما منتشر شد که به‌زعم آقاسی، به اعتراضات و خواهش‌های شجریان بی‌توجهی کردند. «هر چه درخواست‌های مکرر استاد از صداوسیما، این سازمان در جریانات اخیر، با ساختن کلیپ‌هایی از خیابان‌ها و تصاویر شخصی که مورد علاقه‌اش نبودند، از صدای ایشان بهره‌برداری غیرمجاز کردند این تصاویر به عنوان تبلیغات تلویزیونی و توجیه‌عملی که مورد قبول بسیاری از مردم نبود، تهیه و روی آنها از سرودهایی از استاد استفاده می‌شد که مربوط به دوره اولیه انقلاب بودند، به نحوی که بینندگان این تصاویر اینگونه برداشت می‌کردند که استاد همسو با بخشی از حکومت و در واقع به عنوان تأییدکننده آن تصاویر از بخش آنها رضایت دارد. به همین دلیل هم به من مراجعه کردند و از من خواستند تا در این زمینه اقدام جدی به عمل آید.» بنا به گفته آقاسی با وجود درخواست شجریان بخش صدای، او کماکان از شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون ادامه داشت و با وجود اعتراضات فراوان به این مسأله ترتیب اثر داده نشد. «در تاریخ پخش تمام این سرودها را یادداشت کرده‌ام آخرین مرتبه بخش کلیپ‌هایی با صدای استاد از تلویزیون هم به زمان بازگشت پنج نفر از ایرانیان بازداشت‌شده در موصل رضایت نخواهد داد.

ادامه در صفحه ۲

هفته‌نامه ایران دخت منتشر شد

گفت‌وگوی اختصاصی با مهناز افشار

انتخاب من و گلزار درست بود

گفت‌وگوی اختصاصی با برانکو ایوانکوویچ

پس فرستاده شدن رمان کافه پیاپو در گفت‌وگو با نویسنده کتاب فرهاد جعفری: اشتباه گرفته‌اید

نگاه هنرمند

استاد تو بخوان...

سیدعبدالحسین مختاباد

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد استاد محمدرضا شجریان برابم همیشه عزیز و گرمی بوده‌اند، شاید بیش از سده‌ها بود که شب و روز من و اینک ساعات معظم تحقیقات آوازی مرا صدا و روش موسیقایی‌اش پر می‌کند. در مقاله‌ای که در بزرگداشتش تحت عنوان عیب من نوشته بودم مبسوط‌تر این آشنایی و به زبانی شیدایی را بیان کردم حتی در صفحاتی از تز دکترایم استاد شجریان بذر هنر موسیقی عمیق، عرفانی، اسلامی و ایرانی را در سرتاسر ایران برای حداقل دو نسل کاشته‌اند و الگوی هنری و فرهنگی بسیاری از جوانان این‌اره بر بلا بوده‌اند. گرچه او خود به تواضع نجوا می‌کند که:

بنده را نام خویشتن نبود

هرچه ما را لقب دهند انیم

اما او شهراپر آواز ایرانی در این نیم‌قرن بوده و نامش بر فراز هنر موسیقی ایرانی همواره خواهد تابید اما.

استاد شجریان با تو می‌گویم که تو خود از من بهتر

می‌دانی که سدها سال است که در این ملک این شعر حافظ بر زبان‌هاست:

«سخن‌دلی و خوش‌خوانی نمی‌ورزند در شیرازه»

مقاله‌ای تحت عنوان «هامل‌ل و وطن‌فروش نیستیم»

را در روزنامه‌های خوندیم به‌واقع از هم پاشیدیم که این

چه نوع برخورد و رفتار با یک هنرمند توانا و گرمی

که این همه برای فرهنگ ایرانی زحمت کشیده

است می‌باشد ما به کجا می‌رویم؟ چند سال پیش

در فستیوالی به نام جشن خلقت celebration of creatin

از من دعوت شده بود. که این فستیوال

در حضور ملکه انگلیس، همسر وی و چند نفر از

سرنان کشورهاى مختلف در شهر لندن برگزار

می‌شود که با پیشنهاد استاد راهنمایم پرفسور جان

بیلی از دنیای اسلام من شرکت کردم، در آن زمان

دبیر جشنواره در ملاقات اولیاش با من گفت که

ما در این فستیوال به آقای تیلر «خست‌وقت

کنسرت انگلستان» اجازه ورود نداریم چون که او

تمایل به جنگ دارد. حمله آمریکا به عراق هنوز

شروع نشده بود! زیرا این فستیوال تمایل دارد که

از سرنان کشورها و از سرنان مذهبی خواهد کرد

زمن را به سمت صلح و آرامش هدایت کنند و نه

جنگ و خونریزی‌هایی که گفته بود که از رئیس

سازمان محیط زیست دولت آقای دکتر خاتمی نیز

دعوت کرده‌اند که متأسفانه ایشان نتوانستند در این

فستیوال شرکت کنند. هنوز دو روز مانده به

اجرای برنامه‌ها روزنامه‌ای از صفحه اول خود مطلبی

به نام «خیانت به اسلام و ایران» را به چاپ رسانده

بود و نویسنده اصرار داشت که نتوانم به‌خاطر

شرکت در این برنامه مشغول فروش ایران و خیانت

اسلام عزیز هستم و حال در روزنامه دیگران استاد

محمد رضا شجریان به وطن‌فروشی متهم می‌شود.

سوال من از نویسنده محترم این به اصطلاح خبر

ویژه این است که «این استاد خواننده برجسته

ایران» «یک خواننده دیگر» که در زمره برجستگان

آواز ایرانی محسوب می‌شود «یک دیگر از اساتید

موسیقی» «یک آهنگساز پیشکسوت» که هستند

که جرات اظهارنظر اینگونه گرانسنگی را دارند اما

از افشای نام خود در هراسند؟ مگر آنها از شجریان

می‌ترسند؟ آیا شجریان باید و دسته‌ای دارد که

مخالفتش را سرکوب کند؟ خطاب من بعد از سال‌ها

«حدود هشت سال» به مقاله‌نویس در مورد حقیر و

نیز مقاله‌نویس به اصطلاح خبر ویژه‌نویس روزنامه

کیهان این است: «عزیز برادر در طول دین‌گرا

سرگذشت این «حاک بلاکش» می‌گذرد هنرمندان

و اندیشمندان حتی اختیار سقفی برای شب را

به‌روز کردن نداشتند چه رسد به فروش وطن!

و این را به آسانی از نامه‌های حافظ ناشنیده‌مند که

بر خاکی از براده الماسی و عرشه درد، چو نان آینه‌ند

می‌توان به آسانی دید. اینک سوال من از بزرگان قوم

و اهل معرف این است که واقعا ما را چه می‌شود؟

چرا اسطورهای عظیم فرهنگی و هنری ما در

تمامی اعصار بر کناره می‌روند. با هزار گونه سخن در

دهان‌ب‌ب‌خاموشند؟

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲